

دو فصلنامه علمی پژوهشی کتاب قیم
سال چهارم (۱۳۹۳)، شماره یازدهم

الگوی راهبردی قرآن در ایجاد گرایش روحی به اهل بیت (ع)

محمدتقی دیاری بیدگلی^۱

سجاد غفوری نیا^۲

چکیده

تمام گزاره‌های قرآن کریم دارای مفهومی هدف‌دار هستند. این گزاره‌ها در موضوع‌های مختلف، دارای نظم هستند و با یکدیگر ارتباط دارند؛ به گونه‌ای که می‌توانند علاوه بر رسیدن به اهداف خود، طرحی جامع را برای گرایش روحی به اهل بیت (ع) با هم‌پوشانی، پی‌ریزی کنند. آشکار و بدیهی بودن آینده برای خداوند ارائه طرحی جامع در قرآن کریم با هدف گرایش به اهل بیت (ع) را تقویت می‌کند. الگوی راهبردی طراحی شده برخی آیات، منظومه‌وار، اما به صورت تلویحی و غیر صریح، به چینش اعداد و ارقام اسم‌ها و چینش مفهومی و لفظی گزارش‌ها و مقایسه کردن آنها می‌پردازد. در قسمتی از این الگوی راهبردی هماهنگ و ضمنی آیات، هر می را در چهار طبقه از صفات پیامبران و اسماء حسناى الهی می‌بینیم. پیامبر اکرم (ص) و به تبع آن اهل بیت (ع) با اختصاص برخی صفات و اسمای حسناى الهی از جمله «رحمت» و «رحیمیت»، نسبت به سایر پیامبران الهی در جایگاهی ویژه در رأس این هرم قرار می‌گیرند. با توجه به این نکات، این پژوهش در مقام پاسخ به این سؤال است که: قرآن کریم به وسیله الگوی منظم ساختاری خود، چگونه راهبردی را برای ایجاد گرایش به پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت (ع) به کار می‌گیرد؟

واژگان کلیدی: پیامبر (ص)، اهل بیت (ع)، قرآن، الگو، حجت‌های خداوند.

۱. دانشیار دانشگاه قم / mt_diari@yahoo.com

۲. دانش‌آموخته دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم قم (نویسنده مسئول) / s.qaforinia@gmail.com

۱- مقدمه و طرح مسأله

در حدیث متواتر ثقلین، پیامبر گرامی اسلام (ص) قرآن و عترت را عدل و همسنگ و همراه یکدیگر معرفی کرده است (ر.ک. صفار، ۱۴۰۴، ج ۱، صص ۴۱۳-۴۱۴ / کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۲۹۴ و ج ۲، ص ۴۱۵ و ج ۳، ص ۴۲۳ / احمد بن حنبل، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۲۱۱). ارتباط قرآن و عترت (اهل بیت ع) به گونه‌ای است که می‌توان قرآن کریم را تجسم عینی و آیین تمام‌نمای فضایل و خصلت‌های زیبایی الهی‌انسانی اهل بیت (ع) به‌شمار آورد. با شناسایی الگویی راهبردی از قرآن و ساختار آن در گرایش روحی به اهل بیت (ع)، می‌توان محبت و گرایش به ایشان را تسریع بخشید و آن الگو را با مدیریت راهبردی، در جامعه، اجرایی ساخت. علما و محققان در طول تاریخ، کتاب‌ها و مطالب بسیار ارزنده و گران‌بهای را در اثبات، وجوب، فواید گرایش و محبت به اهل بیت (ع)، حتی از منابع اهل سنت، نوشته‌اند. اما تفاوت این تحقیق و روش از این جهت است که تنها آیات مبارکی همچون: اولوالامر (النساء: ۵۹ / ۴)، تطهیر (الاحزاب: ۳۳ / ۳۳)، ابلاغ (المائدة: ۶۷ / ۵) و اکمال (المائدة: ۳ / ۵)، مباحثه (آل عمران: ۶۱ / ۳)، سوره انسان و... که آشکارا بیان‌کننده ایمان و گرایش ویژه به اهل بیت (ع) هستند، مورد بحث ما نخواهند بود؛ بلکه مجموعه‌ای از این آیات در قالب سوره و نظم و پیوستگی آنها، مورد توجه است. سؤال اصلی پژوهش حاضر آن است که قرآن در راستای ایجاد گرایش روحی به پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت (ع) چه الگوی راهبردی را ارائه می‌کند؟

۲- مفهوم‌شناسی

- **الگو.** منظور از الگو، چهارچوب‌های مفهومی و کلی است که زمینه مناسبی را برای طبقه‌بندی اطلاعات و سامان‌دهی آن فراهم می‌آورد (معینی‌پور، ۱۳۸۸، صص ۷۹-۱۰۴). اجزای الگو عبارت‌اند از: (۱) جنبه مفهومی: الگو از مفاهیمی تشکیل شده است که در گزاره‌های نظری، به‌کار می‌رود و مستقیم یا غیر مستقیم، کانونی برای بررسی‌های تجربی به‌شمار می‌آید. این مفاهیم به محقق نشان می‌دهد که واقعیت از چه متغیرهایی تشکیل شده است؛ (۲) عنصر تئوری: مجموعه‌ای از سازه‌ها، مفاهیم و قضایای مرتبط با یکدیگر هستند که از طریق تشخیص روابط بین متغیرها و به منظور پیش‌بینی و تبیین پدیده‌ها ارائه می‌شود؛ (۳) قواعد تفسیری: برای توصیف پدیده‌ها، باید از یک سلسله قواعد تفسیری بهره گرفت (قوام، ۱۳۷۶، صص ۲۳-۲۶).

- **راهبرد.** راهبرد را به عمل تجهیز و به کارگیری نیروها و توانایی‌ها در جهت دستیابی به هدفی معین و استراتژی تعریف کرده‌اند (انوری و دیگران، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۲۹۷). راهبرد

ترجمه کلمه مشهور استراتژی (Strategy) است (اس. گری کالین: S. Gary Collin، ۱۳۸۵، صص ۳-۴). پس، راهبرد به معنای طرح و نقشه، صف‌آرایی، موضع و دیدگاه است. راهبرد یک نقشه دارای رهنمود در مسیر عملیات آگاهانه است (احمدزاده، ۱۳۹۰، صص ۱۷۶) و شامل مجموعه تصمیمات محوری (مایکل آرمسترانگ: Michael Armstrong، ۱۳۸۹، صص ۳۷) و دارای یک دورنماست که روش منسجم نگریستن به جهان را مشخص می‌سازد (اولیور ساندر: Oliver Sandra، ۱۳۸۸، صص ۱۴). همه اجزا و طرح راهبرد به گونه‌ای هدف‌دار و هماهنگ هستند که گویی غیر از یک مقصد و هدف ندارند (ساسانی، بی‌تا، صص ۱۷-۱۸). پس، راهبرد بخشی از مدیریت راهبردی است که چگونگی فرآیند و گذار از وضع فعلی به وضع مطلوب یعنی بخش سوم را مورد مطالعه قرار می‌دهد (پی یرز، جان ای: Piers John A. و ریچارد ب. رابینسون: Richard B. Robinson، ۱۳۸۷، صص ۳-۲۱).

مقصود این تحقیق از تعبیر الگوی راهبردی: مجموعه راهبردها و راهکارهایی که در چند الگوی دارای نقشه و طرح عوامل و جوانب مؤثر در دستیابی از وضعیت فعلی به وضعیت مطلوب است که آن عوامل و جوانب برای اجرا و رشد، بررسی و هماهنگ و هدف‌دار شده باشند.

- **گرایش روحی.** گرایش به معانی ذیل آمده است: (۱) میل، تمایل یافتن؛ (۲) قصد، اراده، آهنگ و... (دهخدا، ۱۳۲۷، ج ۳، صص ۱۵۴-۱۵۵). واژه روح علاوه بر معنی روان و جان در معانی ذیل نیز استفاده شده است: درون‌مایه و باطن؛ زیبایی (انوری و دیگران، ۱۳۸۱، ج ۴، صص ۳۷۱۶). در این تحقیق، مقصود از «گرایش روحی»: گراییدن، تحریک و قصد کردنی است که توسط ادراکات، تعلقات و زیبایی‌های متنی و فرامتنی، اثرات مثبتی فراتر از صرف ایمان به وجود می‌آورند.

- **اهل بیت (ع).** مقصود ما از اهل بیت (ع) ذوات مقدسه‌ای است که بنا به روایت از پیامبر اکرم (ص)، انحصار در چهارده مصعوم و امامان شیعه دارد (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱، صص ۲۸۷). همچنین، هرگاه از صفتی برای پیامبر اکرم (ص) سخن می‌گوییم، این صفات برای اهل بیت (ع) ایشان نیز قابل اثبات است؛ از جمله: همه اهل بیت (ع) در ولایت، به منزله نور واحد هستند (ابن طاووس، ۱۴۱۳، ج ۲، صص ۴۱۲-۴۱۵ / مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۲۶، صص ۶)؛ علم به تمام کتاب برای چهارده مصعوم (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱، صص ۲۳۰ و ۲۵۷ / حسکانی، ۱۴۱۱، ج ۱، صص ۴۰۰-۴۰۵)؛ به منزله پدر بودن پیامبر (ص) و امام علی (ع) و مادر بودن حضرت زهرا

(س) برای کلّ امتّ (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۱۳، ص ۲۳۸). (برای مطالعه بیشتر پیرامون ارائه برخی استدلال‌های کلامی و همانندی‌های شخصیتی پیامبر اکرم (ص) و سیزده معصوم دیگر، به کتب ذیل مراجعه شود: مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۲۶، ص ۱۶ / ابن سیده، ۱۴۲۱، ج ۴، ص ۳۵۶ / فیومی، ۱۴۲۹، ص ۲۲ / فراهیدی، ۱۴۱۰، ج ۴، ص ۸۹ / کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۲۷۹ / امینی، ۱۴۰۶، ج ۳، صص ۹۰-۱۰۵ / بابایی، ۱۳۸۱، ج ۲، صص ۶۶-۶۷).^۱

دو موضوع اصلی این تحقیق عبارتند از: الف) شبیه‌سازی و مقایسه دو الگو توسط آیات؛ ب) راهبرد صفات پیامبران و اسما حسناى الهی.

۳- شبیه‌سازی و مقایسه دو الگو توسط آیات

در آیات قرآنی می‌توان به شباهت‌های بسیاری بین ویژگی‌های خلقی و رفتاری قوم یهود (بنی‌اسرائیل) و مسلمانان صدر اسلام به عنوان امت اسلامی دست یافت که برخی از آنها عبارت‌اند از:

(۱) تعداد اعداد و تعداد اسم‌ها؛ (۲) چینش و گزارش خلافت؛ (۳) توییح قوم یهود و امتّ اسلام (افراد سست ایمان از این دو امت) در سوره‌های مدنی به جهت نقض عهد الهی و توصیه به آنان مبنی بر حفظ و مراعات میثاق‌های الهی (آل عمران: ۳ / ۷۷؛ البقره: ۲ / ۲۷ و ۴۰؛ الرعد: ۱۳ / ۲۵)؛ (۴) تهمت‌های زشت و ناروا و الگوی یهود، آینه عبرت برای امت اسلامی.

۳-۱- ساخت دو الگوی رفتاری و مقایسه آن دو

۳-۱-۱- سازه الگوی قوم یهود

قرآن کریم به خلیات و رفتار بنی‌اسرائیل در سوره‌های مختلف پرداخته است؛ بویژه سوره بقره که بهترین و کامل‌ترین سرگذشت و ویژگی‌های قوم یهود را بطور تفصیلی در بر گرفته و در هیچ جای دیگر قرآن به این کمال و پیوستگی، ویژگی‌های آن قوم را از اول تا آخر ماجراهای ایشان بیان نکرده است.

با وجود اختلاف نقلهای جزئی در مورد اولین و آخرین سوره مدنی و آیات، بطور اجمال می‌توان گفت که سوره بقره اولین و سوره مائده آخرین سوره نازل شده در مدینه است (ر.ک).

۱. به‌کار بردن واژگان علم مدیریتی همانند راهبرد و ... در این پژوهش قرآنی، تنها به دلیل روانی و به روز بودن نوشتار این مقاله است و گرنه، با سبک‌های ادبی مختلف دیگر نیز مطالب ارزنده قرآنی به سادگی قابل بیان است.

قمی نیشابوری، ۱۴۱۶، ج ۲، ص ۵۹۲ / فخر رازی، ۱۴۱۱، ج ۳، ص ۳۵۵ / طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۵، ص ۱۵۷ / حجتی، ۱۳۷۶، صص ۴۰۲-۴۰۳). با توجه به شمول سوره‌های مدنی در پرداختن کامل به زندگی قوم یهود، این سوره‌ها را به عنوان الگویی (جزئی از الگوی راهبردی) منظم می‌یابیم که بطور تفصیلی، تمام اتفاقات قوم یهود را بازگو می‌کنند. در نتیجه، با توجه به توضیحاتی که درباره الگو در قسمت مفهوم‌شناسی، ارائه شد، تمام رفتارهای مذکور از قوم یهود در سوره‌های مدنی را به عنوان الگویی (که ویژگی‌های رفتاری و اعتقادی گذشته در آن، قابل نمایش و استنباط باشد) در نظر می‌گیریم. کامل‌ترین خلاصه این الگو در سوره بقره موجود است. با توجه به این نکته، می‌توان این نظام را در الگویی شکل داد و با انجام این کار، این الگو نیز مانند سایر الگوهای اعتقادی و رفتاری قابل قیاس و منطبق بر دیگر الگوهاست.

همانطور که گفته شد، اگر آیات مربوط به یهود در کل قرآن یا سوره بقره (خلاصه‌ترین و کامل‌ترین الگوی ارائه شده از یهود) را به عنوان الگوی مطرح شده از قوم یهود به حساب آوریم و کل قرآن از اول تا انتها را الگوی مطرح شده برای مسلمانان به حساب آوریم، این دو الگو هم از لحاظ مفهومی و هم از لحاظ ظاهری و لفظی، قابل قیاس خواهند بود.

ابتدای الگوی معرفی شده در سوره بقره درباره یهود آیه ۴۰ از این سوره است (در صورتی که دیگر الگوهای ارائه شده در کل قرآن را در مورد امت اسلام و یهود محاسبه نکنیم) و انتهای این الگو، آیه ۲۴۷ است. درباره الگوی مسلمانان، ابتدای نزول قرآن در ابتدای تشکیل جامعه مدنی را نقطه شروع و انتهای آن را انتهای نزول قرآن در این اجتماع، به حساب می‌آوریم.

در هر دو الگو (جزئی از الگوی راهبردی)، قرآن کریم به شبیه‌سازی تلویحی و نشان‌دادن شباهت‌ها پرداخته است. از جمله این الگوها، الگوی رفتاری مسلمانان است و بر اساس آیات قرآن و اتفاقات مسلم تاریخی، شامل مسلمانان - بویژه، مسلمانان صدر اسلام - می‌شود. در صورتی که این دو الگوی رفتاری را بر اساس آیات قرآن شکل دهیم، مقایسه این دو الگو به دلیل یکسانی مرجع بنیانی واحد یعنی قرآن کریم، کار دشواری نخواهد بود. بویژه اگر اهل بیت (ع) خود به شبیه‌سازی و ارائه شباهت‌هایی بی‌نظیر بین امت اسلام و یهود پرداخته باشند. در ادامه مقاله، بعد از طراحی این دو الگو و ترسیم منظومه و ساختار آن با تأکید بر چینش الگوی اعتقادی - رفتاری گفته شده و مقایسه دو الگوی ارائه شده امت اسلامی و قوم یهود، به بررسی آیات مربوط پرداخته می‌شود.

۳-۱-۲- سازه الگوی رفتاری امت مسلمان

می‌توانیم قرآن کریم را به عنوان دائرة المعارف و نقشه‌ای از تاریخ صدر اسلام در نظر بگیریم که رخدادهای و ویژگی‌ها، اندازها و تبشیرها و اصول کلی زندگی‌نامه امت پیامبر (ص) را از صدر اسلام در خود جای داده است. با توجه به تعریفی که از الگو ارائه شد، ما می‌توانیم الگو و چهارچوبی از مفاهیم، عقاید و رفتار امت مسلمان در صدر اسلام، عرضه کنیم که قابل قیاس با هر الگوی رفتاری اجتماعی دیگری است. همچنین، می‌توانیم از طریق نقل‌های تاریخی معتبر و متواتر و اتفاقات بعد از پیامبر اکرم (ص)، این الگو را رصد کنیم و این الگوی اعتقادی-رفتاری را گسترش دهیم تا به مسلمانان کنونی برسیم و این الگوی رفتاری را با اجتماعات دیگر و سایر قوم‌ها مقایسه کنیم و در معرض مطالعه قرار دهیم (البته، می‌توان رفتار مسلمانان کنونی را جداگانه و به عنوان الگوی قابل قیاس، مطرح کرد). ساختن این الگوی رفتاری و استخراج امور کلی که در قرآن ذکر شده است با توجه به اطلاعات فراوان در این زمینه امکان‌پذیر است. از آنجا که شروع زندگی مدنی و نظم‌پذیر امت اسلام در مدینه آغاز شد، به بررسی سوره‌های مدنی می‌پردازیم.

بنابر این بیان، نقشه الگوی اعتقادی-رفتاری امت مسلمان (به صورتی که ویژگی‌های رفتاری و اعتقادی گذشته و کنونی آنها در آن قابل نمایش و استنباط باشد) بطور اساسی، از سوره‌های مدنی یعنی سوره بقره آغاز می‌شود و با سوره آل عمران ادامه پیدا می‌کند و در نهایت، به سوره مائده که بی‌شک به اعتقاد فریقین، آخرین سوره کامل و یا در ردیف آخرین آیات نازل شده است، ختم می‌شود (ر.ک. قمی نیشابوری، ۱۴۱۶، ج ۲، ص ۵۹۲ / طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۵، ص ۱۵۷ / حجتی، ۱۳۷۶، صص ۴۰۲-۴۰۳). فخر رازی نیز در ذیل آیه اکمال، این نکته را مورد تأیید و تأکید اهل سنت می‌داند و می‌گوید: «قال أصحاب الآثار: إِنَّهُ لَمَّا نُزِلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ عَلَى النَّبِيِّ (ص) لَمْ يَعْمُرْ بَعْدَ نُزُولِهَا إِلَّا أَحَدًا وَ ثَمَانِينَ يَوْمًا، أَوْ اثْنَيْ وَ ثَمَانِينَ يَوْمًا، وَ لَمْ يَحْضُرْ فِي الشَّرِيعَةِ بَعْدَهَا زِيَادَةٌ وَ لَا نَسْخٌ وَ لَا تَبْدِيلَ الْبَيِّنَةِ...» (فخر رازی، ۱۴۱۱، ج ۳، ص ۳۵۵)؛ اهل حدیث گفته‌اند که بعد از نزول این آیه، پیامبر (ص) ۸۱ یا ۸۲ روز زنده بود و هیچ‌گونه زیادی یا نسخ یا تبدیلی در شریعت رخ نداد. با توجه به وجود این دو الگو، در ادامه، به مقایسه آنها می‌پردازیم.

این قیاس‌ها در حالی است که اگر الگویی غیر از یهود برای تطبیق با الگوی امت اسلام انتخاب شود بسیاری از مصادیق مفاهیم یعنی تشابهات بین آنها در قرآن، یافت نمی‌شود. مبنای

این تشابه و تطابق الگویی، تشابه رفتاری و مفهومی است، وگرنه، بسیاری از اتفاقات رخ داده شده در قوم یهود در امت اسلام، سابقه ندارد؛ مثل: شکافته شدن دریا (البقره: ۶۰/۲؛ الأعراف: ۱۶۰/۷)، ازدها شدن عصای موسی (ع) (الأعراف: ۱۱۷/۷؛ طه: ۲۰/۲۰)، تحریف کتاب (البقره: ۷۹/۲؛ المائده: ۴۱/۵)، مجسمه گوساله را پرستیدن (البقره: ۵۰/۲؛ النساء: ۱۵۳/۴) و...؛ ولی بسیاری از رفتارهای دیگر- همچون کشتن حجت‌های خداوند، نقض عهد، آزار حجت‌های خداوند و غضب جایگاه خلافت الهی- در این امت رخ داده است.

احادیث فراوانی از شیعه و اهل سنت، تشابه رفتاری در این دو الگو را مورد تأیید قرار می‌دهند؛ از جمله، پیامبر اکرم (ص) فرمودند: شما مو به مو رفتار پیشینیان (یهود) را انجام خواهید داد ... اولین نقض عهدتان امامت و آخرینش نماز خواهد بود (ر.ک. قمی، ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۴۱۳/مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۲۴، ص ۳۵۰). این حدیث با صراحت در نقض عهد، بدون ذکر لفظ امامت و نماز از اهل سنت نقل شده است (بخاری، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۱۲۷۴).

۳-۱-۳- دلائل شبیه‌سازی و مقایسه دو الگوی امت اسلامی و قوم یهود

بعد از روشن شدن چگونگی دو الگو، اکنون به دلایلی مبنی بر شبیه‌سازی و مقایسه دو الگو توسط آیات می‌پردازیم:

۳-۱-۳-۱- تعداد اعداد و اسم‌ها

در مورد پیامبرآزاری و پیامبرکشی یهود در سوره‌های مدنی مانند بقره، آل عمران و نساء و ... (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۳، ص ۱۲۴)، سخن به میان آمده است (نک. البقره: ۶۱/۲؛ آل عمران: ۳/۲۱ و ۱۱۲؛ النساء: ۱۵۵/۴). درباره امت اسلام این اتفاقات با تشبیهات و دلائل عددی ذیل، می‌تواند استوار شود:

در سوره آل عمران که یکی از سوره‌های الگوی رفتاری امت پیامبر (ص) است، سخن از پیامبرکشی و پیامبرآزاری قوم یهود به میان آمده است. در این سوره، بیش از سه بار، بحث از کشتن پیامبران توسط قوم یهود مطرح شده است و این سوره بیشترین تکرار را- در مذمت بنی‌اسرائیل بر کشتن انبیاء- در بین سوره‌های قرآن دارد (آل عمران: ۳/۲۱، ۱۱۲، ۱۸۱، ۱۸۳). از مفهوم برخی روایات استفاده می‌شود که به عمران وحی شد که صاحب پسری خواهد شد (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۵۳۵/صدوق، ۱۴۰۴، ج ۳، ۱۵۵). بنابراین، می‌توان چنین گفت که وی نیز پیامبر به‌شمار می‌آمده؛ چون دریافت‌کننده وحی الهی است. عمران پدر بزرگ حضرت

عیسی (ع) و پدر مریم (ع) بوده است (التحریم: ۱۲ / ۶۶) علاوه بر این، هرگاه از برگزیده شدن ذریّه شخصی (مثل عمران: نک. آل عمران: ۳ / ۳۳) در قرآن سخن گفته شده، شخص صاحب ذریه نیز خود، معصوم بوده است - مثل ذریّه ابراهیم (ع) و ذریّه نوح (ع) (همانجا).

نکته جالب توجه این است که نام چهارده تن از افراد معصوم به تعداد اهل بیت (ع) در این سوره قرآن (که بیشترین مذمت پیامبرکشی یهود را دارد) ذکر شده است (همانطور که امت اسلام اهل بیت را بعد از پیامبر (ص) به شهادت رساندند). معصومان نام برده شده عبارتند از: آدم، نوح، ابراهیم، اسماعیل، اسحاق، یعقوب، اسباط، عمران، موسی، زکریا، یحیی، عیسی، مریم و محمد (ص). قابل ذکر است که نام اولین پیامبر مذکور، آدم (ع) و نام پیامبر خاتم (ص) آخرین پیامبری است که از میان این چهارده معصوم برگزیده، ذکر شده است (نک. آل عمران: ۳ / ۳۳، ۳۶، ۳۸-۳۹، ۴۲، ۴۵، ۸۴). نکته مهم دیگر درباره اشاره تلویحی و شبیه سازی نامحسوس دو الگو، این است که قرآن به تعداد اهل بیت (ع) و جنسیت آنها اشاره خاص دارد و نام تنها زن برگزیده حضرت مریم است و دیگر نام هیچ زنی در این سوره برده نشده است که در کنار نام سیزده پیامبر معصوم، این نام ذکر شده است.

با توجه به این نکته که از دیدگاه شیعه، تنها زن معصوم از بین اهل بیت (ع) حضرت زهرا (س) است که با ۱۳ مرد معصوم دیگر ذکر می شود (تطبیق دقیق جنسیت سیزده بعلاوه یک)، به نظر می رسد قرآن کریم با ذکر چهارده تن از معصومان در سوره آل عمران (که بیشترین مذمت یهود بر پیامبرکشی را دارد) و به شهادت رسیدن اهل بیت (ع) توسط امت اسلام، شبیه سازی بی نظیری را در این مورد، ارائه کرده که شباهت دو الگو را بخوبی، نشان می دهد. بویژه که این نظم در عالم واقع، به وقوع پیوسته است. این امر با اعداد اسماء و قرینه هایی که در ادامه می آید مستحکم می شود.

می دانیم که موسی (ع) و هارون (ع) به مقابله با سه سرکش (فرعون، هامان و قارون) که حکومت و حاکمیت را در دست داشتند برانگیخته شدند (العنکبوت: ۲۹ / ۳۹). همچنین، تولد منجی بنی اسرائیل یعنی حضرت موسی (ع) با ترس فراوان به همراه مقهوریت بنی اسرائیل، صورت گرفته است (القصص: ۲۸ / ۴ و ۶) - همانند تولد منجی امت اسلام، حضرت مهدی (عج) که بطور پنهانی و ترس و در حال ضعف جبهه حق در برابر بنی عباس، اتفاق افتاده است (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۳۱، ص ۵۶). البته، می توان برخی از این شواهد را تنها، به عنوان قرینه و برخی دیگر را به عنوان برهان، مطرح کرد.

۳-۱-۳-۲- نکاتی دقیق در مشابهت الگوی راهبردی

در اولین سوره نازل شده در مدینه یعنی سوره بقره، تأکید بسیار بالایی بر آزار موسی و هارون (ع) وجود دارد. به دلیل وجود آیات متعدد در مورد عدم رفتار صحیح و گرایش درست بنی اسرائیل نسبت به موسی و هارون (ع) و پیامبران بعد از ایشان، می‌توان گفت در این سوره، به هیچ مبحثی به این اندازه، پرداخته نشده است (البقره: ۲/ ۵۱ و ۶۱ و ۶۷ و ۷۴ و ۷۵ و ۸۷ و ۹۱ و ۹۶ و ۹۸ و ۱۰۱ و ۱۰۲). در عین حال، در صدر اسلام خطر عمده در ابتدای ورود به مدینه و اولین جنگ‌ها، توسط مشرکان قریش صورت گرفت، نه یهود. و نقش مشرکان در تهدید امت اسلام در آن اوایل، بیش از قوم یهود بود. همین امر این مفهوم را تأیید می‌کند که این تشابه‌سازی و تطابق دو الگو توسط قرآن کریم صورت گرفته است تا امت اسلام دست از سوء گرایش نسبت به حجت‌های خداوند بردارد.

نکته بسیار جالب دیگر این است که نام موسی و هارون (ع) با هم ۱۴ بار در سوره بقره یعنی الگوی تمام نمای قوم یهود در پیامبرآزاری و پیامبرکشی ذکر شده است و آزار این دو تن بسیار مورد تقبیح قرار گرفته است.

در آخرین آیات مربوط به یهود در سوره بقره (البقره: ۲/ ۲۴۷-۲۵۳)، سخن از آل هارون (ع) به میان می‌آید. همان لقبی که پیامبر اکرم (ص) به حضرت علی (ع) داده است.^۱ این تنها آیه‌ای (یعنی قسمت آخر الگوی ارائه شده از الگوی قوم یهود) است که در آن، از آل هارون (ع) یاد شده و در حالی این سخن به میان آمده که بحث از خلافت الهی و نارضایتی سران قوم در این باره در میان است. آخرین آیات الگو ((البقره: ۲/ ۲۴۸) نیز درباره خلافت الهی است که با همین موضوع، سخن و الگوی ارائه شده از قوم یهود به پایان می‌رسد. سوره بقره خود نمایشگاه پیامبرآزاری و پیامبرکشی و سوء رفتار با ایشان است (ذکر آیات آن گذشت) همان امری که پیامبر (ص) در مورد شباهت‌های دو قوم به مردم گفته بود و قرآن این امر را به صورت تلویحی، برای آیندگان نگارش کرده است. علاوه بر این، پیامبر اکرم (ص) در «حدیث منزلت»، با اعلام یکسانی منزلت موسی (ع) و هارون (ع) با نسبت پیامبر (ص) و امام علی (ع)، به ادامه نسل نبوت در ذریه امام علی (ع) و دیگر شباهت‌های این دو الگو اشاره دارد.

۱. در حدیث منزلت، پیامبر (ص) خطاب به علی (ع) فرمود: «أنت مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى، إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي» (ر.ک: بخاری، ۱۴۰۷، ج ۷، جزء ۴، ص ۳۰۱).

نکته قابل ذکر دیگر این است که در قرآن کریم دوازده داستان از بنی اسرائیل نقل می‌شود (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۱۵۱). ممکن است جالب به نظر برسد که در تورات موجود نیز به عدد دوازده در میان پیامبران توجه ویژه‌ای شده است. به عنوان مثال، از دوازده سبط از بنی اسرائیل یا دوازده فرزند اسماعیل نام می‌برد یا ۲۴ پیامبر یا شخص را نام می‌برد که هر کدام دوازده فرزند داشتند (کتاب مقدس، سفر پیدایش ۱۷: ۲۰ و اول تواریخ ۲۵: ۱۰-۳۱).

بر اساس خصوصیات گفته شده و با توجه به آینده‌نگاری دقیق خداوند در قرآن، شیوه رفتار این دو الگوی متشابه ادامه می‌یابد یا در مقطعی از زمان در آینده تکرار می‌شود؛ همانطور که در گذشته هشدار داده شده، ولی باز تکرار شده است. حال به جمع‌بندی موارد مشابه مربوط می‌پردازیم:

۱) تعداد نام افراد معصوم پیامبران گذشته و تطبیق دقیق آن با تعداد اهل بیت (ع) و ذکر دقیق جنسیت بین آنها (به گونه‌ای که تنها یک زن نام برده می‌شود و آن زن، مریم (س) برگزیده شده بر زنان عالم و مطهر است) (آل عمران: ۳/ ۳۳-۱۳۲).

۲) ذکر عدد چهارده و قابلیت تطبیق دقیق با جنسیت اهل بیت (ع) در بین سوره‌ای که بیشترین مذمت یهود در پیامبرکشی را دربردارد.

۳) احادیث وارده مبنی بر شباهت اعتقادی-رفتاری آینده امت اسلام با یهودیان. ذکر نام موسی و هارون (ع) در سوره بقره (خلاصه تمام نمای الگوی یهود در پیامبرآزاری و عهدشکنی و پیامبرکشی) به تعداد چهارده (تعداد اهل بیت ع) دلیلی دیگر بر این شبیه‌سازی الگوی یهود و انطباق آن بر امت اسلام است.

۳-۱-۳-۳- چینش و گزارش خلافت الهی

اهمیت خلافت الهی و رفتار مناسب در قبال حجت‌های خداوند به حدی است که خداوند متعال در اولین آیات سوره بقره (اولین جزء قانون اساسی نازل شده برای اجتماع مسلمانان مدنی)، تاریخ خلافت الهی و جانشینی او را از اولین انسان برای تمامی فرشتگان و جنیان و انسان‌ها بیان می‌کند و به ذکر آن می‌پردازد (البقره: ۲/ ۳۰).

در آخرین داستان (از لحاظ چینشی) ذکر شده از قوم موسی (ع) در سوره بقره (البقره: ۲/ ۲۴۷-۲۵۳)، خداوند سخن از قوم یهود را اینگونه به پایان می‌رساند که حق ولایت جانشینان بر حق، پایمال می‌شود؛ این همانند پایمال شدن حق جانشینان پیامبر (ص) یعنی اهل بیت (ع) در بین امت اسلام توسط نخبگان سیاسی (اشاره به سیاست مقایسه‌ای) در آخر عمر پیامبر

(ص) (از لحاظ مفهومی) و نادیده گرفتن خلافت الهی در آخرین آیات^۱ نازل شده در سوره مائده [یعنی آخرین قطعات الگوی ارائه شده از مسلمانها (از لحاظ چینشی)] است. همچنین، با توجه به این که عهد خداوند با بنی اسرائیل، پیروی و اطاعت از حجت‌های خداوند بوده است (المائده: ۱۲/۵ و نیز نک. طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۱۵۱)، آنها در ابتدای داستان یهود (البقره: ۴۰/۲)، توصیه به رعایت حق خلافت الهی شده‌اند. این توصیه و یادآوری درست برای امت اسلامی در ابتدای این سوره بقره (اولین جزء الگوی مدنی امت اسلام) با یادآوری سر باز زدن از خلافت آدم (ع) آمده است (البقره: ۴۰/۲-۴۱). علاوه بر این، تکرار لفظ موسی و هارون (ع) در چهارده مورد در همین سوره با ویژگی‌هایی که گفته شد، این امر را تقویت می‌کند. این تشابه و یکسانی در ذکر خلافت الهی در هر دو الگو از لحاظ مفهومی و از لحاظ چینشی و لفظی قابل توجه است.

درباره قوم یهود در آخرین داستان ارائه شده در سوره بقره (خلاصه‌ترین و کامل‌ترین الگوی یهود)، با ذکر آیه شریفه ﴿وَقَالَ لَهُمْ شَرِيفُهُ﴾ و قَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلِكًا قَالُوا أَنَّى يَكُونُ لَهُ الْمُلْكُ عَلَيْنَا وَنَحْنُ أَحَقُّ بِالْمُلْكِ مِنْهُ وَلَمْ يُؤْتَ سَعَةً مِنَ الْمَالِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ وَاللَّهُ يُؤْتِي مَلِكَهُ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ﴿البقره: ۲۴۷/۲﴾ که در بخش پایانی سوره بقره و آخرین داستان قوم موسی (ع) در این سوره است، موضوع بحث درباره خلافت و جانشینی است که سران قوم موسی (ع) زیر بار خلافت به حق جانشین پیامبر خویش نرفتند و از آن سر باز زدند. آیه سوم از سوره مائده (آخرین سوره کامل نازل شده) نیز دلالت بر جانشینی الهی دارد و آخرین داستان سوره بقره درباره بنی اسرائیل (ر.ک. البقره: ۲/۲۴۷) نیز اشاره به سر باز زدن سران بنی اسرائیل از پذیرش جانشین به حق پیامبرشان دارد.

همچنین، در سوره بقره به عنوان خلاصه الگوی رفتار یهود، در سه جا بطور صریح بحث از خلافت الهی به میان آمده است (البقره: ۲/۳۰، ۱۲۴ و ۲۴۷). در این سوره، درباره خلافت الهی حضرت آدم، می‌خوانیم: ﴿وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ﴾ (البقره: ۲/۳۰)؛ و چون پروردگار تو به فرشتگان گفت: «من در زمین جانشینی خواهم گماشت»، [فرشتگان] گفتند: «آیا در آن، کسی را می‌گماری که در آن، فساد انگیزد و خونها

۱. آیه اکمال دین (المائده: ۳/۵).

بریزد و حال، آن‌که ما با ستایش تو، [تو را] تنزیه می‌کنیم و به تقدیست می‌پردازیم؟ [خداوند] فرمود: «من چیزی می‌دانم که شما نمی‌دانید».

در سوره مائده به عنوان آخرین سوره نازل نیز در سه جا (آیات ۳، ۵۵ و ۶۷)، بحث از خلافت الهی به میان آمده است.

طبیعی است که هر نقشه‌ای هدفی را از اول تا آخر، برای رسیدن به مقصدی، دنبال می‌کند. حال، اگر به نکته امامت و ولایت را که در ابتدا و اثنا و انتهای این نقشه و الگوی رفتاری مسلمانان درخشش دارند توجه کنیم، به اهمیت و جایگاه امامت و ولایت در الگوی راهبردی قرآن پی می‌بریم.

از نظم موجود و مطالب گفته‌شده، نکاتی قابل استخراج است؛ از جمله: (۱) مقوله ولایت و جانشینی امری بسیار مهم است، بطوری که این نکته در ابتدا، اثناء و انتهای هر دو الگوی قوم موسی (ع) و امت پیامبر (ص) ذکر شده است؛ (۲) صبر و مظلومیت بالای فرستادگان دو قوم کاملاً، مشهود است؛ (۳) بیشتر افراد هر دو قوم در آزاررساندن به فرستادگان الهی و نافرمانی، مسلک یکسانی دارند؛ (۴) شباهت بین دو الگو در سوره بقره و مائده- با سه تأکید بر موضوع خلافت الهی- مشاهده می‌شود.

۳-۱-۳-۴- پیمان‌شکنی و توصیه به وفای عهد

در این قسمت، به شباهت رویداد نقض عهد در هر دو الگوی قوم یهود و امت اسلامی می‌پردازیم: (۱) الگوسازی همسان در آیات مدنی؛ (۲) نمایش اول و آخر دو الگو در سوره بقره؛ (۳) اول و آخر الگوی یهود در سوره بقره با اول و آخر الگوی امت اسلامی در آیات مدنی؛ ۴- اول و آخر سوره مائده در دو الگوی یهود و امت اسلامی.

در ادامه، به بررسی شیوه ارائه هر یک از این دو الگو به صورت جداگانه و در پایان، به جمع‌بندی تشابهات دو الگو می‌پردازیم:

در مورد قوم یهود، به چند شکل این نظم را می‌توان در مفهوم و لفظ دید:

۱. شکل شماره (۱): در سوره بقره و الگوی یهود (البقره: ۲/ ۴۰)، به بیان حفظ مطلق عهدها می‌پردازد و در پایان بحث از یهود در این سوره، نقض عهد خلافت الهی توسط سران یهود را برای امت اسلام یادآور می‌شود؛ با این توضیح:

در همان ابتدای داستان بنی اسرائیل در سوره بقره، با دورنمایی از داستان و ماجراهای قوم یهود و با یادآوری عهدشکنی آنان، این قوم را این چنین، به خواننده معرفی می‌کند: ﴿يَا بَنِي

إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي اَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَ اَوْفُوا بَعْدِي اَوْفٍ بِعَهْدِكُمْ وَ اِيَّايَ فَاَرْهَبُونَ ﴿البقره: ۴۰ / ۲﴾. این نوع شروع همانند هر یک از انواع شروع ادبی داستان‌های دیگر، در ذهن خواننده تأثیر بسزایی دارد تا خواننده از ویژگی‌های قوم مورد بحث، یعنی بنی‌اسرائیل، اطلاعاتی را به دست آورد و ذهنیتش نسبت به ایشان شکل بگیرد.

الگوی عرضه‌شده در سوره بقره برای بنی‌اسرائیل که با توصیه بر عدم نقض عهد و پیمان شروع شده؛ ﴿قَالَ هَلْ عَسَيْتُمْ اِنْ كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ اَلَّا تُقَاتِلُوْا﴾ (همان / ۲۴۶) و پایان آن با نقض عهد آنها توسط سران و ذکر خلافت الهی است که با مردود شدن بسیاری از قوم یهود در امتحان طالوت (همان / ۲۴۹)، داستان یهود در سوره بقره، تحقق می‌یابد؛ ﴿وَ قَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ اِنَّ اللّٰهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلِكًا قَالُوْا اَنَّى يَكُوْنُ لَهٗ الْمُلْكُ عَلَيْنَا وَ نَحْنُ اَحَقُّ بِالْمُلْكِ مِنْهُ وَ لَمْ يُؤْتْ سَعَةً مِّنَ الْمَالِ قَالَ اِنَّ اللّٰهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَ زَادَهُ بِسَطَّةً فِى الْعِلْمِ وَ الْجِسْمِ وَ اللّٰهُ يُؤْتِى مَلِكَهُ مَن يَشَاءُ وَ اللّٰهُ وَّاسِعٌ عَلِيمٌ﴾ (همان / ۲۴۷)؛ آیا از [حال] سران بنی‌اسرائیل پس از موسی خبر نیافتی آن گاه که به پیامبری از خود گفتند: «پادشاهی برای ما بگمار تا در راه خدا پیکار کنیم»، [آن پیامبر] گفت: «اگر جنگیدن بر شما مقرر گردد، چه بسا پیکار نکنید.» گفتند: «چرا در راه خدا نجنگیم با آنکه ما از دیارمان و از [نزد] فرزندانمان بیرون رانده شده‌ایم». پس هنگامی که جنگ بر آنان مقرر شد، جز شماری اندک از آنان، [همگی] پشت کردند، و خداوند به [حال] ستمکاران داناست.

۲. شکل شماره (۲): اگر در کل قرآن، آیات (مدنی) درباره یهود را بررسی کنیم، به این چینش بر می‌خوریم: در ابتدای سخن درباره یهود در سوره بقره- به عنوان کامل‌ترین و خلاصه‌ترین الگوی رفتاری و اعتقادی یهود- این قوم به حفظ عهدها و میثاق‌ها (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۱۵۱) توصیه می‌شوند. در آیات آخرین سوره نازل‌شده از قرآن (المائده: ۵ / ۷۸، ۷۰، ۶۶)، به نقض عهد، اشاره و به حفظ پیمان توصیه می‌شود و سخن از پیامبرکشی و مورد لعنت واقع شدن یهود نیز مطرح می‌گردد.

۳. شکل شماره (۳): در اوایل سوره مائده (آخرین قطعه تکمیلی الگوی رفتاری مسلمانان)، آیات درباره یهود، مفاهیم زیر را دارند: توصیه به حفظ پیمان، نقض عهد و پیامبرکشی و عصیان یهود. از جمله، در آیه دوازدهم این سوره، به ذکر حفظ عهد خلافت الهی و فرستاده شدن دوازده نقیب بر این قوم، خبر داده شده است (المائده: ۱۲ / ۵؛ نیز ر.ک. طباطبایی، ۱۴۱۷،

ج ۱، ص ۱۵۱). در عین حال، اواخر سوره مائده دوباره به پیامبرکشی یهود اشاره‌ای دارد (المائده: ۱۱۰/۵).

این شباهت‌های منظم در مفهوم و لفظ را در امت اسلامی به چند شکل می‌توان دید: الف) شکل اول: اگر در کل قرآن، آیات مدنی مربوط به مخالفان اسلام (گروه‌هایی که در مقابل اسلام مقابله کردند مانند: سست ایمان‌ها، کفار، منافقین) را بررسی کنیم به این چینش برمی‌خوریم: در ابتدای امر، سخن از خلافت الهی حضرت آدم به میان می‌آید و در اولین آیاتی که در مدینه بر پیامبر (ص) نازل شد، اشاره به نقض عهد کفار در حال و آینده (با توجه به صیغه مضارع آن) دارد؛ یعنی در همان ابتدای نزول نخستین آیات مدنی برای مسلمانان، به ذکر خلافت الهی، نقض عهد کافرین و موضع منافقان می‌پردازد (البقره: ۲۷/۲). البته، می‌توان کل سوره بقره را با تکرار لفظ موسی و هارون (ع) به میزان چهارده بار در اول الگو با ویژگی‌هایی که گفته شد، مد نظر قرار داد. همین مبحث نقض عهد را در آیه ۲۵ از سوره رعد می‌توان دید که از سوره‌های مدنی است.

در سوره بقره بعد از آیه ۲۷، به ماجرای سجده برای آدم (ع) و خلیفه الهی بودن او، اشاره می‌شود. در آیات ۴۰ تا ۱۱۴، بی‌وقفه، به مذمت و نصیحت بنی‌اسرائیل و نیز یادآوری کردار ناپسندشان می‌پردازد و تنها به ستایش آرمانی عده بسیار اندکی از آنها پرداخته است. بعد از این آیات دوباره بحث از یهود به میان می‌آید. در ابتدای الگوی امت اسلام، با این آیات مواجه می‌شویم: ﴿الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ﴾ (البقره: ۲۷/۲)؛ «همانانی که پیمان خدا را پس از بستن آن می‌شکنند و آنچه را خداوند به پیوستنش امر فرموده، می‌گسلند و در زمین به فساد می‌پردازند آنانند که زیانکارانند». در آخرین آیات نازل‌شده در قرآن با آیه ﴿وَ إِذَا مَا أُنزِلَتْ سُورَةٌ نَظَرَ بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ هَلْ يَرَاكُمْ مِنْ أَحَدٍ ثُمَّ انصَرَفُوا صَرَفَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ﴾ (التوبه: ۱۲۷/۹) روبرو می‌شویم که به نظر مفسران، بر نقض عهد با پیامبر اکرم (ص) نیز دلالت دارد (زمخشری، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۳۲۴).

ب) شکل دوم: در سوره مائده به بیان حفظ مطلق عهدها می‌پردازد و اشاره به مسأله نبوت نیز دارد (المائده: ۱/۵-۲/۱ ر.ک. زمخشری، ج ۲، ص ۳۲۴). البته، عقود و شعائر الهی صدها مصداق دارند که از جمله این مصداق‌ها و یکی از مهم‌ترین این عقود و شعائر، عهد بندگی خدا و پیروی از حجت‌های او به حساب می‌آید و تعبیر «الامانات» نیز در آیه ۵۸ از سوره نساء

اعم از امانت‌های مالی و امانت‌های حقیقی است که بر مردم واجب است آنها را به اهلشان تسلیم کنند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۴، ص ۳۷۸).

در آخرین سوره کامل نازل شده، یعنی مائده که اکمال دین و اتمام نعمت الهی را برای امت اسلامی در این مرحله بیان می‌کند (المائده: ۳/۵)، به روی گردانی از عهد (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۳۲۴) و رعایت حق خلافت الهی و عدم نقض آن اشاره شده است. همچنین، از لحاظ تاریخی و نیز با توجه به جمله ﴿وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ﴾ (المائده: ۵، ۶۷)، احتمال قتل پیامبر (ص) از این آیه، برداشت می‌شود (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۶، ص ۴۳) - آیه‌ای که از لحاظ کیفیت و زمان نزول و نه نظم نوشتاری کنونی، جزو آخرین آیات نازل شده یعنی سوره مائده است.

ج) در ابتدای سوره بقره، سخن از خلافت الهی حضرت آدم است و اولین آیاتی که بر پیامبر (ص) در مدینه نازل شد اشاره به نقض عهد کفار در حال و آینده (با توجه به صیغه مضارع آن) دارد (البقره: ۲۷/۲). ارجاعات دیگر از این سوره به ماجرای سجده برای آدم (ع) و خلیفه الهی او اشاره می‌کند. سپس، در اواخر سوره بقره توصیه به حفظ عهد و میثاق دارد (همان/ ۲۸۲-۲۸۳).

۳-۱-۳-۵- آزارسانی و تهمت‌های ناروای قوم یهود و هدف از طرح آن در قرآن

در اینجا سؤالی پیش می‌آید و آن، این که: هدف قرآن از طرح سرگذشت امت یهود و دقت در نقل مسائل آنها چیست؟

به نظر می‌رسد قرآن کریم با توجه به کثرت نقل تاریخچه و سبک رفتاری یهود - برای نقل حوادث و رخدادها و خلیقات قوم یهود برای مسلمانان و تقبیح یا تأیید و تشویق این خصوصیات - هدف مشخص و ویژه‌ای را دنبال کرده است. حتی تعداد آیات درباره قوم یهود با یک نگاه اجمالی، بیشتر از آیات صریح فقهی، محاسبه می‌شود؛ زیرا آیات فقهی با دلالت مستقیم، سیصد آیه بیشتر نیستند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ص ۹)؛ اما تنها در سوره بقره بیش از صد آیه (البقره: ۲/۴۰-۱۵۰) بطور مستقیم، درباره یهود آمده است؛ در حالی که آیات فقهی چنان است که مسلمانان از اول زندگی تا زمان مرگ خویش، هر روز، با آنها رابطه تنگاتنگ دارند (در ضمن، می‌دانیم که قرآن از زیاده‌گویی و پرداختن به جزئیات غیر مفید نیز مبرا است). آیه ذیل یکی دیگر از شباهت‌های بین دو الگوی مطرح شده را آشکارتر می‌سازد: ﴿إِنَّ الَّذِينَ

جَاؤُ بِالْإِفْكِ عُصْبَةٌ مِنْكُمْ لَا تَحْسَبُوهُ شَرًّا لَكُمْ بَلْ هُوَ خَيْرٌ لَكُمْ لِكُلِّ امْرِئٍ مِنْهُمْ مَا اكْتَسَبَ مِنَ الْإِثْمِ وَالَّذِي تَوَلَّى كِبْرَهُ مِنْهُمْ لَهُ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿النور: ۲۴ / ۱۱﴾؛ در حقیقت، کسانی که آن بهتان [داستان افک] را [در میان] آوردند، دسته‌ای از شما بودند. آن [تهمت] را شری برای خود تصور مکنید؛ بلکه برای شما در آن، مصلحتی [بوده] است. برای هر مردی از آنان [که در این کار دست داشته]، همان گناهی است که مرتکب شده است و آن‌کس از ایشان که قسمت عمده آن را به گردن گرفته است عذابی سخت خواهد داشت.

این آیه دلالت بر تهمت بسیار ناروا و ناپسند به همسر پیامبر اسلام (ص) در راستای ضربه زدن به آبروی پیامبر دارد - همانگونه که برای خدشه به آبروی حضرت موسی (ع)، به ایشان تهمت زده شد و برخی از مفسران اهل سنت (نک. فخر رازی، ۱۴۱۱، ج ۱۲، ص ۳۶۸) نیز به این موضوع، در تفسیر آیه ذیل پرداخته‌اند: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ آذَوْا مُوسَى فَبَرَّأَهُ اللَّهُ مِمَّا قَالُوا وَكَانَ عِنْدَ اللَّهِ وَجِيهاً﴾ (الاحزاب: ۳۳ / ۶۹)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، مانند کسانی مباشید که موسی را [با اتهام خود] آزار دادند و خدا او را از آنچه گفتند مبرا ساخت و نزد خدا، آبرومند بود.

در آیه فوق‌الذکر از سوره نور با برخورد شدید خداوند با عاملان تهمت و دفاع از حریم مقدس پیامبر اکرم (ص) همراه با تأکید و تهدید تهمت‌زنندگان، مواجه هستیم. نکته‌ای که جلب توجه می‌کند این است که بیشترین تکرار نام پیامبران در قرآن کریم را حضرت موسی (ع) از میان پیامبران دارد و جزئیات سرگذشت او با شیوه‌ها و به مناسبت‌های مختلف در تمامی دوران رسالت، برای مسلمانان نقل می‌شود.

۳-۲- راهبرد صفات پیامبران و اسماء حسنی

سازه (نظریه) ارائه‌شده در قرآن برای گرایش به حجت‌های خداوند و تمجید از آنها را به صورت یک الگو (جزئی از الگوی راهبردی) در شکل هرمی با چهار طبقه در نظر می‌گیریم و طبقه پنجم هرم اسماء و صفات را مختص خداوند به حساب می‌آوریم. پایه این الگو و هرم منظم و هماهنگ (با توجه به هماهنگی راهبردی قرآن در رسیدن به مقصد) با صفات پسندیده انسانی شروع می‌شود و در رأس آن هرم اسماء حسنی، بویژه اسماء حسنای اختصاصی خداوند، وجود دارد که به صورت محدود، با آیات مربوط به وجود نازنین پیامبر اکرم (ص) به نمایش گذاشته شده‌اند. بطوری که بیان خواهد شد، چینش و نظم هندسی صفات و معرفی

پیامبران به گونه‌ای است که به رأس هرم اشاره دارند و نشان‌دهنده مقام والا و مخصوص بودن ایشان به آن صفات هستند.

طبقه اول: در طبقه اول این الگو (هرم)، وصف آرایبی و ذکر صفات پسندیده برای حجت‌های خداوند حالت عام دارد و شامل بسیاری از پیامبران می‌شود. از جمله این پیامبران، الیاس، لوط و یونس (ع) هستند که وصف خاص و ویژه‌ای درباره آنها ذکر نمی‌شود و معمولاً، به مرسل (الصافات: ۱۲۳/۳۷) و صالح (التحریم: ۱۰/۶۶) و عبد (صافات: ۱۳۹/۳۷) بودن آنها اشاره می‌شود. می‌توان گفت که این طبقه همه پیامبران مذکور در قرآن را شامل می‌شود.

طبقه دوم: در طبقه دوم، رفته‌رفته صفات برشمرده شده موجود در هرم اختصاصی‌تر می‌شود. در این طبقه، صفات زیبا و شخصیت-پردازی‌های جذاب‌تری نمایان می‌شود. از این پیامبران، می‌توان حضرت موسی (ع) و عیسی (ع) را برشمرد که آیات فراوانی در وصف ایشان وارد شده که در مورد پیامبران طبقه پیشین با این گستردگی و تعدد، یافت نمی‌شود؛ مثل سلام دادن خداوند به ایشان (مریم: ۱۹/۳۳؛ الصافات: ۱۲۰/۳۷) و ذکر معجزات و کارهای خارق‌العاده (الشعراء: ۲۶/۶۳؛ القصص: ۲۸/۳۱-۳۲) و ثمربخش برای قوم خود و برگزیده شدن در هنگام طفولیت (المائده: ۵/۱۱۰) و ... قرآن با استفاده از اسوه‌های مقبول و جذاب یعنی پیامبران در این طبقه، با درایتی خاص، بدون آن که آیات زیادی را در راستای معرفی و تمجید و در نتیجه، دعوت به گرایش به اهل بیت (ع) کرده باشد، از معرفی و صفات شخصیت‌های دیگر برای جذب مخاطب به گرایش به اهل بیت (ع) کمال استفاده را کرده است. توضیح این فرایند در ادامه، می‌آید.

قرآن بسیاری از صفاتی را که برای پیامبران گذشته برشمرده است آنها یا بهتر از آنها را برای پیامبر اسلام (ص) بیان می‌کند. در نتیجه، خواننده با تشابهی که در این صفات می‌بیند، به توانایی پیامبر (ص) در زمینه‌هایی که قرآن در مورد شخصیت آن حضرت، به آنها پرداخته است، واقف می‌شود و بعد از توجه به صفات این پیامبران در آیاتی دیگر و با موضوعی مجزاً و در ادامه، دیدن همه این صفات، بلکه بهتر از آنها در پیامبر اسلام (ص) [و به تبع آن، ائمه (ع)]، به این یکسانی و ارتباط پی می‌برد که گفته‌اند: «چون که صد آمد نود هم پیش ماست».

این دو دسته آیات بطور تلویحی باعث نزدیک شدن شخصیت‌های این دو گروه یعنی پیامبران گذشته و حجت‌های کنونی، در ذهن خواننده می‌شوند. حتی اگر خواننده به هیچ حدیثی هم مراجعه نکند، این شباهت‌ها قابل درک هستند و بویژه، اگر قرآن کریم اوصافی

بهتر و ویژگی‌هایی برتر را برای پیامبر اسلام (ص)، برشمرده باشد که موارد آن در طبقه چهارم، ارائه خواهند شد. در نتیجه، پس از اثبات وصف‌های خاص و ویژه برای پیامبر (ص) که بالاتر از وصف‌های پیامبران ممدوح در قرآن هستند، تفصیل موجود در وصف این پیامبران، با دلالت التزام، خود به خود، اشاره به بزرگی شخصی دارد که صفتی برتر از آنها را دارد.

طبقه سوم: در طبقه سوم به شخصیت حضرت ابراهیم (ع) توجه ویژه‌ای می‌شود. قرآن کریم بیش از سی خصوصیت زیبای ایشان را برشمرده است. از سوی دیگر، نیز بطور نامحسوس، در آیاتی دیگر و با سیاق متفاوت، همان صفات حضرت ابراهیم (ع) را در وصف پیامبر (ص) برمی‌شمارد. سپس، بتنهایی و بطور نامحسوسی به مشابه‌سازی این صفات برای پیامبر (ص) می‌پردازد. این نوع تنظیم مطلب و شیوه بیان عاملی برای دو نوع گرایش به پیامبر (ص) [و به تبع آن حضرات ائمه معصومین (ع)] می‌شود: ۱) در این طبقه از افراد، صفات محدودتر می‌شوند و به همین مناسبت، جایگاهی ویژه‌تر برای دو پیامبر در این طبقه به وجود می‌آید؛ ۲) آیات در خصوص حضرت ابراهیم (ع) وارد عرصه‌های دیگری شده است که علاوه بر اینکه معرفی و تمجید از شخصیت حضرت ابراهیم است باعث گرایش به پیامبر اسلام (ص) نیز می‌شود. بخصوص که پیامبر (ص) با صفتی بالاتر ستوده شده است.

بررسی‌ها نشان می‌دهد آیات در خصوص صفات ابراهیم (ع) وارد عرصه‌های دیگری شده که در مورد پیامبر اکرم (ص) بنا به دلایلی، ذکر نشده است؛ اما با تطبیق و ارائه شباهت‌های برخی خلیقات و رفتارهای حضرت ابراهیم (ع) با پیامبر (ص) - در آیاتی که بدون تصریح و ادعای شباهتی بین این دو، برای آن حضرت (ص) ایجاد نوعی یکسانی شخصیتی کرده است - باب جدیدی از گرایش به پیامبر (ص)، ایجاد کرده است؛ زیرا ممکن است بروز تمام صفات و حدوث برخی اتفاقات ظاهری که برای حضرت ابراهیم افتاده است، برای پیامبر (ص) به ظاهر رخ ندهد (مثل: توکل و تسلیم بالا حتی در آتش افتادن و ذبح فرزند خود و صبر کردن بر آن دو یا خوانده شدن با لفظ خلیل و ...). ولی با ایجاد تشابه شخصیتی و یکسان دانستن شخصیت‌های این دو توسط خداوند یا برتر دانستن پیامبر (ص)، نظیر این صفات و صبر بر این آزمایش‌ها قبل از رخ دادن در حق پیامبر (ص) نیز به ذهن، تقریب می‌شود.

صفات حضرت ابراهیم در قرآن کریم این چنین گزارش می‌شوند:

۱) اسوه و الگویی زیبا (الممتحنه: ۶۰/ ۴)؛ ۲) معرفت و یقین (الانعام: ۷۵-۸۰)؛ ۳) اهل استدلال (البقره: ۲/ ۲۵۸)؛ ۴) شجاعت (الانبیاء: ۲۱/ ۵۸-۵۷)؛ ۵) صدیق بودن (مریم: ۱۹/ ۴۱)؛

الصفات: ۳۷ / ۱۰۵؛ ۶) ناسک و زاهد و عالم (البقره: ۲ / ۱۲۷-۱۲۹)؛ ۷) داشتن توکل و اخلاص (همان؛ ۸) علم و قدرت (ص: ۳۸ / ۴۵)؛ ۹) شاکر بودن (النحل: ۱۶ / ۱۲۱)؛ ۱۰) مطیع پروردگار (همان / ۱۲۰)؛ ۱۱) وفاداری (النجم: ۵۳ / ۳۷)؛ ۱۲) حنفیت (البقره: ۲ / ۱۳۵)؛ ۱۳) اوازه و منیب بودن (التوبه: ۹ / ۱۱۶)؛ ۱۴) شیعه نوح (الصفات: ۳۷ / ۸۳)؛ ۱۵) دارای قلبی سلیم (همان / ۸۴)؛ ۱۶) صاحب شریعت و حیانی (الشوری: ۴۲ / ۱۳)؛ ۱۷) نبوت (مریم: ۱۹ / ۴۱)؛ ۱۸) پیامبر اولوالعزم (الشوری: ۴۲ / ۱۳)؛ ۱۹) خلیل خدا بودن (النساء: ۴ / ۱۲۵)؛ ۲۰) اصطفا (البقره: ۲ / ۱۳۰)؛ ۲۱) امامت (همان / ۱۲۴)؛ ۲۲) برابری با یک امت (الانبياء: ۲۱ / ۹۲)؛ ۲۳) بردبار بودن (التوبه: ۹ / ۱۱۴)؛ ۲۴) امر به معروف و نهی از منکر (العنکبوت: ۲۹ / ۱۶)؛ ۲۵) توجه به نسل آینده و فرزندان (البقره: ۲ / ۱۲۸-۱۲۹)؛ ۲۶) برائت از دشمنان دین و کفار (الممتحنه: ۶۰ / ۴)؛ ۲۷) دلسوز و خیرخواه امت خویش (مریم: ۱۹ / ۴۲ و ۴۷)؛ ۲۸) میهمان‌نواز (الذاریات: ۵۱ / ۲۷-۲۴)؛ ۲۹) نام‌گذاری امت اسلامی توسط او (الحج: ۲۲ / ۷۸)؛ ۳۰) معرفت و یقین (ابوذری، ۱۳۸۰، ۱۲-۶۷). در ادامه مقاله، به تشابهات و یکسان‌سازی‌های صفات پیامبر اکرم (ص) و حضرت ابراهیم (ع) پرداخته می‌شود.

الف) الگو و اسوه بودن

قرآن کریم در وصف حضرت ابراهیم و ستایش ایشان به عنوان الگو و اسوه برتر می‌فرماید: ﴿قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ﴾ (ابراهیم: ۱۴ / ۴)؛ نیز نک. الممتحنه: ۶۰ / ۶). در وصف پیامبر اکرم (ص) در این ویژگی و یکسان‌سازی، با این آیه رو به‌رو می‌شویم: ﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ﴾ (الاحزاب: ۲۱ / ۳۳). در بسیاری از آیات دیگر نیز وجود پیامبر (ص) با وصف‌هایی ستایش شده و بطور دقیق، تطبیقی بین ویژگی‌های آن دو بزرگوار، به وجود آمده که نشان‌دهنده نزدیکی و وحدت شخصیت‌های این دو پیامبر الهی است.

ب) دلسوزی و خیرخواهی امت

می‌توان گفت افرادی را به دلسوزی فراوان همراه با شفاعت برای قوم خود در حد و اندازه حضرت رسول (ع) و ابراهیم (ع) در بین همه پیامبران نمی‌توان یافت. حضرت ابراهیم برای نجات و شفاعت قوم مشرف به هلاکت، در مقام مجادله با فرشتگان بر می‌خیزد. این آیه به دلسوزی و مهربانی حضرت ابراهیم (ع) اشاره دارد: ﴿فَلَمَّا ذَهَبَ عَنْ إِبْرَاهِيمَ الرَّوْعُ وَ جَاءَتْهُ

الْبُشْرَى يُجَادِلُنَا فِي قَوْمِ لُوطٍ إِنَّ إِبْرَاهِيمَ لَحَلِيمٌ أَوَّاهٌ مُنِيبٌ يَا إِبْرَاهِيمُ أَعْرِضْ عَنْ هَذَا إِنَّهُ قَدْ جَاءَ أَمْرٌ رَبِّكَ وَإِنَّهُمْ آتِيهِمْ عَذَابٌ غَيْرُ مَرْدُودٍ ﴿۷۶﴾ (هود: ۷۶-۷۷)؛ پس، وقتی ترس ابراهیم زایل شد و مژده [ی فرزندان شدن] به او رسید، درباره قوم لوط، با ما [به قصد شفاعت]، چون و چرا می‌کرد؛ زیرا ابراهیم، بردبار و نرم‌دل و بازگشت‌کننده [به سوی خدا] بود. ای ابراهیم، از این [چون و چرا]، روی برتاب که فرمان پروردگارت آمده و برای آنان، عذابی که بی‌بازگشت است خواهد آمد. قرآن در مورد پیامبر اسلام (ص) و غم و غصه فراوانی که به سبب گمراهی امت که به هلاکت آنها منجر خواهد شد تحمل می‌کرد، می‌فرماید: ﴿أَفَمَنْ زُيِّنَ لَهُ سُوءُ عَمَلِهِ فَرَآهُ حَسَنًا فَإِنَّ اللَّهَ يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ فَلَا تَذْهَبُ نَفْسُكَ عَلَيْهِمْ حَسْرَاتٍ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا يَصْنَعُونَ﴾ (الفاطر: ۳۵ / ۸ و نیز نک. التوبه: ۹ / ۱۲۸)؛ آیا آن‌کس که زشتی کردارش برای او، آراسته شده و آن را زیبا می‌بیند [مانند مؤمن نیکوکار است]؟ خداست که هر که را بخواهد بی‌راه می‌گذارد و هر که را بخواهد هدایت می‌کند. پس، مبادا به سبب حسرتها [ی گوناگون] بر آنان، جان [از کف] برود. قطعاً، خدا به آنچه می‌کنند داناست.

ج) بصیرت و تیزبینی

پیامبر اکرم (ص) به داشتن بصیرت و علم، توصیف می‌شود: ﴿قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُوا إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ﴾ (یوسف: ۱۲ / ۱۰۸)؛ بگو: این است راه من که من و هر کس (پیروم) کرد با بینایی به سوی خدا دعوت می‌کنیم و منزّه است خدا و من از مشرکان نیستم.

حضرت ابراهیم (ع) نیز به داشتن بصیرت و قدرت وصف شده است ﴿وَإِذْ كُرِّعِبَادَنَا إِبْرَاهِيمَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ أُولَى الْأَيْدِي وَالْأَبْصَارِ﴾ (ص: ۳۸ / ۴۵)؛ و بندگان ما ابراهیم و اسحاق و یعقوب را که نیرومند و دیده‌ور بودند به یاد آور.

د) اسلام، عبودیت و اخلاص

همانطور که حضرت ابراهیم و برخی از ذریه‌اش در آیاتی از قرآن کریم، (البقره: ۱۲۷ / ۲-۱۲۹) به وصف‌هایی مثل «اسلام»، «عبودیت» و «اخلاص» ستوده می‌شوند، فرزندان او - از جمله، پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) - نیز به گونه‌ای زیبا در این آیات ستوده می‌شوند: ﴿قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ لَا شَرِيكَ لَهُ وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا أَوَّلُ

الْمُسْلِمِينَ ﴿الانعام: ۱۶۲-۱۶۳﴾؛ بگو: «در حقیقت، نماز من و [سایر] عبادات من و زندگی و مرگ من، برای خدا، پروردگار جهانیان است [که] او را شریکی نیست و بر این [کار] دستور یافته‌ام و من نخستین مسلمانم».

صفت شاکر بودن نیز که برای حضرت ابراهیم (النحل: ۱۶ / ۱۲۱) آمده، در قرآن، به گونه‌ای والاتر، نشان‌دهنده امتیاز و افزایش مقام اهل بیت (ع) است: ﴿ذَلِكَ الَّذِي يُبَشِّرُ اللَّهَ عِبَادَهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ وَمَنْ يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ﴾ (الشوری: ۴۲ / ۲۳)؛ این همان [پاداشی] است که خدا بندگان خود را که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند [بدان] مرثه داده است. بگو: «به ازای آن [رسالت] پاداشی از شما خواستار نیستم، مگر دوستی درباره خویشتاوندان.» و هر کس نیکی به جای آورد [و طاعتی اندوزد]، برای او در ثواب آن خواهیم افزود. قطعاً، خدا آمرزنده و قدرشناس است.

با توجه به این رابطه که شکر نعمت وجود اهل بیت (ع) ادای شکر خداوند را نیز در بر دارد، در اینجا به دو مطلب، باید توجه کرد:

۱) وقتی شکر نعمت وجود اهل بیت (ع)، شکر نعمت خداوند است، می‌بایست اهل بیت (ع) در درجه اول خود شاکر بوده باشند تا به درجه‌ای برسند که شکر نعمت آنان همان شکر نعمت خداوند باشد که باعث تشکر خداوند متعال از این عمل و سپاسگزاری متقابل شود؛

۲) محبت و گرایش به اهل بیت (ع)، محور و مبنایی برای رضا و شکر خداوند است؛ زیرا محبت و گرایش به ایشان باعث تشکر از خداوند می‌شود. در نتیجه، محبتی که باعث جلب رضایت اهل بیت (ع) باشد محوری برای جلب رضایت و ادای شکر خداوند خواهد بود.

قابل ذکر است که بسیاری از صفات و ویژگی‌های حضرت ابراهیم (ع) برای پیامبر اسلام (ص)، قابل استخراج هستند که برای اثبات این شبیه‌سازی در آیات الهی، چند نمونه از آنها ذکر شد.

طبقه چهارم: ویژه‌ترین وصفها با ظهور اسمای حسناى الهی^۱ درباره پیامبر اسلام (ص):

۱. قرآن کریم می‌فرماید: ﴿قُلِ ادْعُوا اللَّهَ أَوْ ادْعُوا الرَّحْمَنَ أَيًّا مَا تَدْعُوا فَلَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ﴾ (الاسراء: ۱۶ / ۱۱۰)؛ نیز ر.ک. الأعراف: ۷ / ۱۸۰)؛ بگو: خدا را بخوانید یا رحمان را بخوانید، هر کدام را بخوانید، برای او نامهای نیکوتر است. دسته‌ای از روایات، ائمه اطهار (ع) را مصداق اسماء الحسنی می‌دانند؛ نظیر این روایت که امام صادق (ع)

طبقه چهارم صفاتی است که خداوند خود را با آنها ستوده و در طبقه پنجم صفاتی مثل توحید، ربوبیت، وحدانیت و ... قرار دارند که هیچکس را با آنها شریک نکرده است. بدیهی است در صورتی که یکی از اوصاف موجود در این دو طبقه برای توصیف و شخصیت‌پردازی شخص یا اشخاصی انجام شود، محبوبیت و جایگاه ویژه‌ای به وجود می‌آید که بالاتر از دیگر حجت‌های خداوند است.

در قرآن کریم خداوند تنها در یک مورد خاص، صفت «رحیمیت» را برای غیر خود، به کار برده است و آن خاص پیامبر اکرم (ص) است. این کتاب آسمانی «حلم» بودن را که از اسماء خداوند متعال است (البقره: ۲ / ۲۲۵) برای حضرت ابراهیم ذکر می‌کند (هود: ۷۵ / ۱۱)؛ اما همین صفت اختصاص به ایشان ندارد و آن را برای حضرت اسماعیل (ع) نیز بیان می‌دارد (الصافات: ۳۷ / ۱۰۱). بدین ترتیب، تنها صفت «الرحیم» است که آن را در مورد هیچ شخصیت بزرگ و هیچ پیامبری جز رسول اکرم (ص) ذکر نکرده است.

خداوند متعال در وصف خود می‌فرماید: ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ (الفاتحه: ۱ / ۱)؛ یا: ﴿هُوَ الَّذِي يُصَلِّي عَلَيْكُمْ وَمَلَائِكَتُهُ لِيُخْرِجَكُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَكَانَ بِالْمُؤْمِنِينَ رَحِيمًا﴾ (الاحزاب: ۴۳ / ۳۳)؛ اوست کسی که با فرشتگان خود بر شما درود می‌فرستد تا شما را از تاریکی‌ها به سوی روشنایی برآورد و به مؤمنان، همواره، مهربان است.

در عین حال، همین وصف را در مورد حضرت رسول (ص) خود نیز می‌آورد: ﴿لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُفٌ رَّحِيمٌ﴾ (التوبه: ۹ / ۱۲۸)؛ قطعاً، برای شما پیامبری از خودتان آمد که بر او دشوار است شما در رنج بیفتید، به [هدایت] شما حریص، و نسبت به مؤمنان، دلسوز مهربان است. توصیف پیامبر اکرم (ص) با چنین وصفی موقعیت و مدالی را در میان تمام انسان‌ها و پیامبران، به آن حضرت (ص) ارزانی کرده که هیچ احدی در اتصاف به این صفت خاص الهی، به این جایگاه نرسیده است.

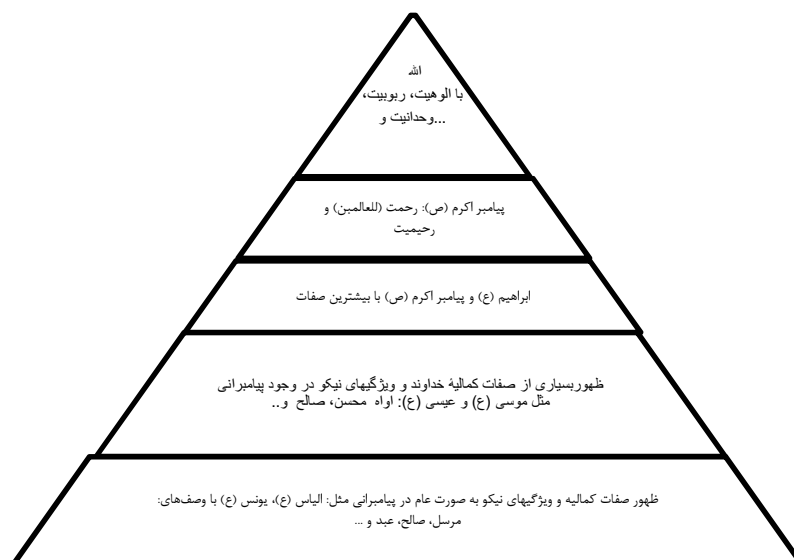
فرمود: «به خدا سوگند، ما اسماء الحسنی هستیم. خداوند عمل کسی را قبول نمی‌کند مگر به معرفت ما» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱، صص ۱۴۳-۱۴۴)؛ لکن، مراد از اسمای حسنی الهی در اینجا، همه اوصاف و اسمایی است که خداوند متعال در قرآن کریم، خود را به آنها متصف نموده است.

طبیعی است که خواننده آیات قرآن برای تمام پیامبران، احترام و محبوبیتی چشمگیر قائل است؛ ولی با در نظر گرفتن این جایگاه ویژه در نظام‌واره اسمای حسنی برای پیامبر اسلام (ص)، دو عامل دعوت‌کننده به گرایش ویژه به ایشان به وجود می‌آید: ۱) جایگاه مخصوصی که آن حضرت با این ویژگی منحصر به فرد، به دست آورده که هیچ پیامبری در قرآن به این مقام (موصوف شدن به صفتی از صفات مخصوص خداوند) نام‌دار نشده است؛ ۲) جایگاهی ویژه در بین آدمیان که هیچ انسانی (حتی پدر و مادر با نهایت مهربانی و دلسوزی برای فرزندان‌شان) با لفظ «رحیمیت» خوانده نشده‌اند.

چنانکه اشاره شد، در قرآن کریم صفت «رحیمیت»، بعد از خداوند (القصص: ۲۸/۸۶) تنها درباره رسول اکرم (ص) به کار رفته است. البته، کاربرد صفت رحیمیت همراه با «رحمت» در قرآن کریم، سازه‌های فکری جدیدی را نمایان می‌سازند. همچنین، این نکته می‌تواند به نهایت مهربانی پیامبر (ص) اشاره داشته باشد؛ بخصوص که خود ایشان در حدیثی می‌فرمایند: من و علی (ع) در جایگاه دو پدر برای امت هستیم و فاطمه (س) به منزله مادر این امت است (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۱۳، ص ۲۳۸). این مطالب و امتیاز گویای راهبردی مؤثر از سوی خداوند برای نگرش مثبت و گرایش به پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت (ع) است. البته، با پژوهش بیشتر، می‌توان پرده‌ها را از برخی الگوها و راهبردهای اساسی دیگر قرآن در جهت آگاهی فردی از حقایق قرآن و رشد جامعه در پرتو عمل به آن، کنار زد.

۳-۲-۱- نمودار صفات پیامبران و اسمای حسنی الهی

الگوی راهبردی قرآن کریم برای گرایش روحی به اهل بیت (ع) در این تحقیق، خلاصه در راهبرد شبیه‌سازی، تعداد اسماء و صفات به صورت اعجازین و راهبرد اسماء و صفات است. با توجه به مطالب گذشته؛ «راهبرد اسماء و صفات» در قرآن در نمودار ذیل قابل ترسیم است:



نتیجه گیری

قرآن کریم در جهت شناساندن منزلت پیامبر (ص) و اهل بیت (ص)، الگوی راهبردی منظمی را طراحی کرده است و با شبیه‌سازی نامحسوس بین دو الگوی ارائه شده (امت اسلامی و قوم یهود) و نهایت استفاده از واقعیت‌های حتمی بین دو امت و بیان تلویحی آنها در کنار همسانی اعجاز‌آمیز عددی و اسمی، تشابهات لفظی، مفهومی و گزارشی بین دو الگوی ارائه شده از یهود و امت اسلام، در صدد است تا ایمان، دیدگاه و گرایش به اهل بیت (ع) را به بهترین شیوه ممکن جهت‌دهی و مدیریت کند. در قسمتی از این الگوی راهبردی، هرمی را در چهار طبقه از صفات پیامبران و اسمای حسناى الهی، می‌توان دید که در رأس آن، پیامبر (ص) و به تبع آن اهل بیت (ع) در جایگاه ویژه‌ای قرار می‌گیرند. از جمله، اختصاص یافتن دو صفت رحمت و رحیمیت خداوند به پیامبر در بین تمام موجودات است. در این هرم، اسماء و صفات حسناى الهی جایگاه و گرایش روحی بی‌نظیری برای پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت (ع) با نظم در گویش و اختصاص یافتن برخی از صفات برای ایشان نسبت به سایر پیامبران، بطور تلویحی به وجود آورده است.

منابع و مأخذ

- قرآن کریم؛ ترجمه محمد مهدی فولادوند، قم: حوزه علمیه، ۱۳۷۸ ش.
۱. ابن طاووس، جمال الدین سیدعلی حسینی حلی؛ *التحصین*؛ قم: مؤسسه دارالکتاب، ۱۴۱۳ ق.
 ۲. ابن سیده المرسی، أبو الحسن علی؛ *المحکم و المحيط الاعظم*؛ بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۱ ق.
 ۳. ابو ذری، مهدی؛ «بررسی قصص قرآن (قصه حضرت ابراهیم)»؛ پایان نامه کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۸۰ ش.
 ۴. احمد بن حنبل؛ *فضائل الصحابة*؛ تحقیق: وصی الله، محمد عباس، بیروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۳ ق.
 ۵. احمدزاده کرمانی، روح الله؛ *بازاندیشی در فرهنگ و رسانه*؛ تهران: نشر چاپار، ۱۳۹۰ ش.
 ۶. اس گری، کالین؛ *ساختارشناسی راهبرد*؛ ترجمه: علیرضا فرشچی، تهران: دانشگاه امام حسین (ع)، ۱۳۸۵ ش.
 ۷. امینی، عبدالحسین؛ *الغدير في الكتاب و السنة و الادب*؛ قم: مرکز الغدير للدراسات الاسلاميه، ۱۴۰۶ ق.
 ۸. انوری، حسن و دیگران؛ *فرهنگ بزرگ سخن*؛ تهران: نشر سخن، ۱۳۸۱ ش.
 ۹. اولیور، ساندرا؛ *استراتژی روابط عمومی*؛ ترجمه: محمد اعرابی و مرجان فیاضی، تهران: دفتر پژوهش های فرهنگی، ۱۳۸۸ ش.
 ۱۰. آرمسترانگ، مایکل؛ *مدیریت استراتژیک منابع انسانی*؛ ترجمه: محمد اعرابی و امید مهدیه، تهران: دفتر پژوهش های فرهنگی، ۱۳۸۹ ش.
 ۱۱. بابایی، علی اکبر؛ *مکاتب تفسیری: روشها و گرایش های تفسیری معاصر*؛ قم: سازمان سمت و پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۱ ش.
 ۱۲. بخاری جعفری، أبو عبدالله محمد بن اسماعیل؛ *صحیح البخاری (المجامع الصحیح المختصر)*؛ ج ۳، بیروت – یمامه: ابن کثیر، ۱۴۰۷ ق / ۱۹۸۷ م.
 ۱۳. بی یز، جان ای و ریچارد بی رایبسون؛ *مدیریت راهبردی: برنامه ریزی، اجرا و کنترل*؛ ج ۳، ترجمه: سید محمود حسینی، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۷ ش.
 ۱۴. حجتی، سید محمد باقر؛ *پژوهشی در تاریخ قرآن کریم*؛ ج ۱۰، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۶ ش.
 ۱۵. حسکانی، عبید الله بن احمد؛ *شواهد التنزیل لقواعد التفضیل*؛ تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، ۱۴۱۱ ق.
 ۱۶. دهخدا، علی اکبر؛ *لغت نامه دهخدا*؛ تهران: افست دولتی ایران، ۱۳۲۷ ش.
 ۱۷. زمخشری، محمود؛ *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل*؛ ج ۳، بیروت: دارالکتب العربی، ۱۴۰۷ ق.
 ۱۸. ساسانی، حسین؛ *فرایند راهبرد*؛ پژوهشکده صنعتگر، بی جا: بی نا، بی تا.
 ۱۹. صدوق، محمد بن علی؛ *من لا یحضره الفقیه*، ج ۲، انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه، قم: ۱۴۰۴ ق.
 ۲۰. صفار، محمد بن حسن؛ *بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد ص*؛ ج ۲، قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ ق.

۲۱. طباطبایی، سید محمد حسین؛ *المیزان فی التفسیر القرآن*؛ ج ۵، قم: انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ ق.
۲۲. فخر رازی، محمد؛ *تفسیر کبیر*؛ ج ۳، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۱۱ ق.
۲۳. فراهیدی، خلیل بن احمد؛ *العین*؛ قم: دارالهجرة، ۱۴۱۰ م.
۲۴. فیومی، احمد بن محمد؛ *المصباح المنیر*؛ القاهرة: المطبعة الامیرية، ۱۴۲۹ م.
۲۵. قمی، علی بن ابراهیم؛ *تفسیر قمی*؛ ج ۴، قم: دار الكتاب، ۱۳۶۷ ش.
۲۶. قمی نیشابوری، نظام الدین حسن؛ *تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان*؛ به سعی: زکریا عمیران، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۶ ق.
۲۷. قوام، عبدالعلی؛ *سیاست تطبیقی*؛ ج ۲، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۷۶ ش.
۲۸. کتاب مقدس؛ *عهد عتیق و جدید*؛ ترجمه: فاضل خوان همدانی، ویلیام گلن، هنری مرزند، ج ۲، تهران: انتشارات اساطیر، ۱۳۸۳ ش.
۲۹. کلینی رازی، محمد بن یعقوب؛ *الکافی*؛ ج ۴، تهران: دار الکتب الإسلامیة، ۱۳۶۵ ش.
۳۰. مجلسی، محمد باقر؛ *بحار الانوار*؛ بیروت: مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۴ ق.
۳۱. معینی پور، مسعود؛ «بررسی تطبیقی الگوی توسعه سیاسی هانتینگتون با الگوی رشد سیاسی در جامعه مهدوی» فصلنامه علمی - پژوهشی مشرق موعود، ش ۱۲، ۱۳۸۸ ش.
۳۲. مفید، محمد بن نعمان؛ *الاختصاص*؛ تحقیق و تصحیح: علی اکبر غفاری و محمود محرمی زرنندی، قم: المؤتمر العالمی لالفیة الشیخ المفید، ۱۴۱۳ ق.
۳۳. مکارم شیرازی، ناصر؛ *پیدایش مذاهب*؛ قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب (ع)، ۱۳۷۷ ش.